

صلى الله عليه وسلم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده تاریخ  
گروه تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد  
رشته تاریخ ایران دوره اسلامی  
عنوان پایان نامه:

تحول زمین داری و تأثیر آن بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در  
دوره ی ایلخانی

(مطالعه ی موردی زمین های سلطنتی)

استاد راهنما :  
دکتر پروین ترکمنی آذر  
استاد مشاور :  
دکتر صفورا برومند  
پژوهشگر :  
مژگان امیری

مهر ماه 1392



## تقدیر و تشکر

اکنون که به یاری خدا توانستم این پژوهش را به پایان برسانم با سپاس از درگاه خداوندی‌اش بر خود واجب می‌دانم در کسوتِ شاگردی از اساتیدی که در انجام پژوهش یاری‌ام کردند سپاسگزاری نمایم. از استاد گرامی سرکار خانم دکتر پروین ترکمنی‌آذر، استاد راهنمای این پژوهش که از ابتدای شکل‌گیری پژوهش تا انجام آن وقت و دقت بسیاری صرف کردند، بخاطر همراهی و رهنمودهای ایشان؛ بسیار سپاسگزارم. همچنین از استاد محترم سرکار خانم دکتر صفورا برومند که به عنوان استاد مشاور، نقش مؤثری در بهینه‌سازی پژوهش داشتند؛ سپاسگزارم، از خانواده ام که همیشه پشتیبان و یاری رسانم بودند نهایت تشکر و قدردانی را دارم، از دوستانم خانم مهربابی و آقای باژدان که در انجام این پژوهش صمیمانه یاری رساندند؛ سپاسگزارم و با تشکر خالصانه خدمت همه کسانی که به نوعی مرا در انجام پژوهش یاری نموده‌اند. از خداوند برایشان سلامتی، موفقیت و همواره یاد دادن را آرزو دارم.

تقدیم به

خودم

به پاس زحمات و تلاش بسیارم

## چکیده:

پژوهش حاضر دربارهٔ املاک سلطنتی در ایران دورهٔ ایلخانان است؛ که تصویری از اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن زمان را نشان خواهد داد. املاک سلطنتی با ورود مغولان به ایران و شکل‌گیری حکومت ایلخانی دستخوش تغییرات و تحولات بسیاری شد. بر این اساس بررسی تحولات در املاک سلطنتی پس از حملهٔ مغول تا فروپاشی دولت ایلخانی، تأثیر این تحولات بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران، موضوع پژوهش است و از روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی استفاده شده است.

اراضی سلطنتی در ادوار تاریخی با نام‌هایی از جمله: خالصه، خاصه، صوافی، ضیاع و اینجو شناخته شده‌اند. پس از ورود عرب‌ها به ایران، به تدریج نواحی متعددی از ایران به تصرف مسلمانان درآمد. آنان این املاک را از راه‌هایی چون غصب املاک سلطنتی ساسانیان و همچنین املاک مالکان ایرانی به دست آوردند که بی‌صاحب مانده بود. حکومتگران ایرانی بخشی از زمینهای سلطنتی را یا به اقطاع سرداران سپاه در می‌آوردند یا صرف امور عام المنفعه می‌نمودند.

قبایل مغول در ابتدا شکارچیان بیشه نشین و شبانان استپ بودند که کار اصلی آنان شکار و ماهیگیری بود. با روی کار آمدن چنگیز قبایل مغول با هم متحد شدند و در ادامه لشکرکشی‌هایشان به سمت غرب قدرت خوارزمشاهیان را تضعیف و بخش زیادی از ایران را در زمان حیات چنگیز تصرف کردند. چنگیز پس از فتوحات و کشورگشایی‌هایش، املاکی را برای هر یک از فرزندان، قبایل صحرائش، همسران خود و بزرگان مغول و ملازمان اشراف استپ مشخص کرد. در حملهٔ دوم مغولان که با لشکرکشی هلاکو به ایران آغاز شد، سلسلهٔ ایلخانی در ایران پی ریزی شد.

ایلخانان املاک سلطنتی متعلق به شاهان و سلاطین ایران را تصرف کردند و این املاک را متعلق به خود و اینجوی خود دانستند. به علت عدم آشنایی مغولان با امر زمینداری متناسب با موقعیت جغرافیایی ایران، بیشتر املاک سلطنتی را با تخریب و ویرانی روبه‌رو کردند و اوضاع اقتصادی ایران را در وضعیت بحرانی قرار دادند. با روی کار آمدن غازان‌خان، وی با کاردانی وزیر ایرانی‌اش، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، اقدامات و اصلاحاتی را برای بهبود اوضاع اقتصادی جامعه اجرا کرد؛ اراضی بایر و مخروبه را ملک سلطنتی و اینجوی خود دانست؛ در آبادانی اراضی بایر کوشید و از املاک سلطنتی برای اقطاع، وقف، بخشش و اهداء بهره برد. این امر موجب گردید تا حاکمان محلی برای حفظ املاک خود از تصرف ایلخانان و همچنین ایلخانان خود برای حفظ املاک تحت سلطه، دست به وقف و ساخت مراکز علمی و آموزشی زدند که رونق اقتصادی و فرهنگ از نتایج بارز آن است.

**کلید واژه‌ها:** خالصه، دیوان خالصه، اقطاع، اینجو، دیوان اینجو، اصلاحات، غازان‌خان.

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱,۱. طرح مسئله..... ۵
- ۱,۲. سؤالات..... ۶
- ۱,۳. فرضیات..... ۶
- ۱,۴. قلمرو پژوهش..... ۷
- ۱,۵. روش پژوهش..... ۷
- ۱,۶. پیشینه پژوهش..... ۷
- ۱,۷. مفاهیم..... ۱۰
- ۱,۸. بررسی و نقد منابع..... ۱۴

### فصل دوم: پیشینه موضوع

- مقدمه..... ۲۳
- ۲,۱. سوابق املاک خصوصی در ایران..... ۲۵
- ۲,۱,۱. سوابق املاک سلطنتی و تحول آن در ایران تا دوره مغول..... ۲۵
- ۲,۱,۲. سیر تحول اقطاع در ایران تا دوره مغول..... ۳۶
- ۲,۱,۳. دیوان املاک سلطنتی در ایران دوره اسلامی تا دوره مغول..... ۴۵
- ۲,۲. محدوده و موقعیت جغرافیایی مغولستان..... ۴۸
- ۲,۳. سوابق املاک خصوصی نزد مغولان..... ۵۰

### فصل سوم: بررسی املاک سلطنتی نزد ایلخانان مغول

مقدمه.....	۵۸
۳،۱. ایلخانان و املاک سلطنتی: اینجو.....	۵۹
۳،۱،۱. ایلخانان.....	۵۹
۳،۱،۲. راههای افزایش املاک سلطنتی توسط ایلخانان.....	۶۴
۳،۱،۲،۱. مصادره املاک وزراء.....	۶۴
۳،۱،۲،۲. التجای افراد و بزرگان.....	۶۶
۳،۱،۲،۳. التجای زمین‌ها.....	۶۷
۳،۱،۲،۴. تصاحب املاک بزرگان.....	۶۷
۳،۱،۲،۵. التجای شهرها.....	۶۸
۳،۲. عواید اراضی اینجو و کارکرد آن.....	۶۹
۳،۳. اقطاع در دوره مغولان و ایلخانان.....	۷۱
۳،۴. دیوان خالصه در دوره مغول.....	۷۳

### فصل چهارم: علل و نتایج اصلاحات غازان خان در اراضی اینجو

مقدمه.....	۷۸
۴،۱. بحران رخ داده در املاک سلطنتی و اصلاحات غازان خان.....	۷۹
۴،۲. راههای استفاده و به کارگیری املاک سلطنتی.....	۸۱
۴،۲،۱. وقف.....	۸۲
۴،۲،۲. اقطاع.....	۸۳
۴،۲،۳. بخشش.....	۸۶
۴،۲،۴. الغای تلجئه.....	۸۷



۸۸.....	اهداء.۴,۲,۵
۹۰.....	بهره برداری از املاک سلطنتی و تأثیر آن بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی دوره ایلخانان.....
<b>فصل پنجم: املاک سلطنتی در دوره اتابکان (فارس، یزد، کرمان) و حکومت های محلی بعد از ایلخانان</b>	
۹۷.....	مقدمه.....
۹۸.....	۵,۱. اتابکان تحت تابعیت ایلخانان.....
۹۸.....	۵,۱,۱. اتابکان فارس.....
۱۰۲.....	۵,۱,۲. اتابکان یزد.....
۱۰۶.....	۵,۱,۳. اتابکان کرمان.....
۱۰۹.....	۵,۲. حکومت های محلی بعد از ایلخانان.....
۱۰۹.....	۵,۲,۱. آل جلایر.....
۱۱۰.....	۵,۲,۲. آل مظفر.....
۱۱۱.....	۵,۲,۳. آل اینجو.....
۱۱۳.....	<b>نتیجه گیری.....</b>
۱۱۹.....	<b>کتابنامه.....</b>

## فصل اول

کلیات پژوهش:

## ۱.۱. طرح مسئله:

زمین‌داری موضوعی است که در تاریخ ایران همواره به آن توجه شده است. پادشاهان ایران باستان اراضی بسیاری در اختیار خود داشتند و از آن برای اجاره دادن و بخشش و واگذاری به افراد استفاده می‌کردند. املاک سلطنتی آنان به افراد خانواده شاه و وارثان به ارث می‌رسید و برای اداره بهتر زمین‌های سلطنتی، دیوانی وجود داشت. با ورود عرب‌ها به ایران، زمین‌ها چهار دسته شدند: یک دسته از آن اراضی سلطنتی است که موضوع پژوهش است و پژوهشگر سعی دارد، چگونگی دست‌یابی به آن، چگونگی افزایش آن و تحولات به وجود آمده در این نوع املاک و تأثیر آن را بر اوضاع اقتصادی-اجتماعی دوره ایلخانی را ارزیابی کند. اراضی سلطنتی شاهان ایران در آغاز ورود اسلام، به اراضی خالصه مسلمانان تبدیل شد. درآمد این املاک در ابتدا به بیت‌المال واریز و برای مصالح مسلمانان، سپاه و راضی‌نگاه-داشتن هواداران صرف می‌شد. کم‌کم با افزایش املاک و اراضی صافی یا خاصه یا خالصه، دیوان مخصوصی به نام دیوان خالصات برای نگهداری از این نوع املاک تأسیس شد. این دیوان برای دلجویی از طرفداران حکومت املاک خالصه را به صورت اقطاع، اجاره و هدیه، به افراد واگذار می‌کرد. بعد از ورود اسلام و با ظهور عباسیان بر وسعت املاک خالصه افزوده شد و به مرور زمان املاک سلطنتی به املاکی اطلاق شد که رهبر مردم، خلیفه یا حاکم، به خود اختصاص می‌داد. در این زمان رسم اقطاع‌دهی رواج یافت و گاهی واژه ایغار به جای آن به کار می‌رفت. اقطاع را از املاک خالصه و سلطنتی برای راضی‌نگه داشتن هواداران و افزایش محصول درآمد، واگذار می‌کردند و سبب شکل‌گیری شهرهای جدید شد. جدای از اقطاعاتی که به لشکریان و فرزندان خانواده سلطنتی داده می‌شد، املاکی هم به وزراء واگذار می‌شد که در ازای مواجیشان دریافت می‌کردند. دیوان خاصی برای اداره کردن املاک سلطنتی وجود داشت که در دوره‌های مختلف با نام‌های دیوان خاص، دیوان خالصه از آن یاد شده است و این دیوان درآمد اراضی را صرف نگهداری دربار می‌کرد. در هر حال رسم خلفای بنی‌امیه، بنی‌عباس و سلسله‌هایی که در ایران حکومت می‌کردند، این بود که از راه فتح، غلبه و مصادره، زمین‌های وسیعی به نام املاک خالصه برای خود به دست آورند. املاک خالصه بعد از ورود مغولان به ایران به املاک اینجو تبدیل شد و اراضی خصوصی، وقفی و سلطنتی از آن ایلخان و اینجوی ایلخانان می‌شد. آنان با تصرف املاک شاهان مغلوب، صاحب منصبان عزل شده و توده مردم، وسعت املاک اینجو را گسترش دادند و

از درآمدهای آن برای هزینه‌های دربار خان، اعضای خاندان وی و نگهداری سپاه استفاده می‌کردند. تحولاتی که در املاک سلطنتی رخ داد و استفاده‌هایی که از این املاک می‌شد بر وضعیت جامعه تأثیرگذار بود. در این دوره علاوه بر املاک و اراضی، افراد و شهرهای التجائی هم اینجو محسوب می‌شدند. با هجوم مغول، اتابکان (که از زمان سلجوقیان و بعد از سقوطشان در گوشه و کنار ایران حکومت می‌کردند) تحت تابعیت مغولان و ایلخانان درآمدند و اقطاعاتی که ایلخانان در اختیار اتابکان گذاشتند، سبب شد در دوران ضعف حکومت ایلخانی هر کدام در مناطقی که بودند مستقل شوند و برای ایمن کردن املاک خود از خطر تصرف مجدد ایلخانان، به وقف املاک خود یا ساخت مراکز علمی و آموزشی روی آوردند.

### ۱،۲. سؤالات:

سؤال اصلی پژوهش عبارتند از:

- تأثیر تحول املاک سلطنتی بر اوضاع اقتصادی - اجتماعی دوره ایلخانان چگونه بود؟

بر این اساس سؤالات زیرمجموعه این پژوهش عبارتند از:

۱. با ورود مغولان به ایران چه تحولاتی در املاک سلطنتی رخ داد؟

۲. املاک سلطنتی چه تأثیری بر اوضاع اقتصادی - اجتماعی دوره ایلخانان داشت؟

### ۱،۳. فرضیات:

هدف از این پژوهش، پاسخ به سؤالات بالا است که با توجه به منابع، سعی شده است موضوع املاک سلطنتی قلمرو ایلخانی ارزیابی شود. برای نیل به این منظور فرضیات زیر بررسی شده است:

- با ورود مغولان به ایران تغییراتی در مالکیت اراضی سلطنتی رخ داد، امرای مغول بسیاری از زمین‌ها، از جمله زمین‌های سلطنتی را تصرف کردند. این اراضی در دوره ایلخانی به اینجو تغییر نام یافت که این مسئله سبب گسترش آن‌ها شد؛ زیرا اینجو علاوه بر اراضی، افراد و شهرهای التجائی و املاک مصادره شده کارگزاران حکومتی را هم شامل می‌شد.

- حاکمان محلی برای حفظ ولایات خود از خطر حمله و تصرف ایلخانان، سرزمینی را که در اختیار داشتند، زیر نظر ایلخانان قرار می‌دادند؛ همچنین آنان قسمتی از املاک خود را وقف کردند تا در سایه

آن بتوانند مابقی املاک خود را نگاه دارند، به همین دلیل است که در این دوره سنت وقف و ساخت مراکز آموزشی و علمی گسترش پیدا کرد.

#### ۱,۴. قلمرو پژوهش (مکانی، زمانی، موضوعی):

قلمرو مکانی این تحقیق شامل جغرافیای سیاسی ایران در دوره ایلخانی است و به لحاظ زمانی سال‌های حکومت ایلخانان را از ۶۵۴-۷۵۰ ق. دربر می‌گیرد. موضوع پژوهش نیز بررسی املاک سلطنتی ایلخانان است و عمده کار به بررسی تحولات املاک سلطنتی در دوره ایلخانی و تأثیر آن در اوضاع اقتصادی و اجتماعی جامعه اختصاص دارد.

#### ۱,۵. روش پژوهش:

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، از روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی استفاده شده است. پژوهشگر نخست می‌کوشد، موضوع بحث را توصیف و تشریح و با دوره‌های قبل تطبیق نماید و سرانجام تمامی ابعاد و زوایای موضوع را تحلیل و تبیین کند، بدین صورت که ضمن توصیف و تشریح وضعیت املاک سلطنتی در دوره ایلخانی، تأثیر این املاک در اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه را تحلیل و بررسی می‌کند.

#### ۱,۶. پیشینه پژوهش:

تا کنون کتابی مستقلی درباره املاک سلطنتی در دوره ایلخانی تألیف نشده است؛ کتاب‌هایی که درباره ایلخانان و مغولان نوشته شده، در مجموع به حکومت و اوضاع سیاسی آنان پرداخته‌اند؛ اما درباره املاک خالصه و سلطنتی در دیگر ادوار، پژوهش‌هایی چند صورت گرفته است که در آن‌ها به این نوع املاک و مسائل زمین‌داری نیز اشاره شده است؛ همچنین برخی از شرق‌شناسان چون اشپولر، پتروشفسکی و لمتون در آثار خود به املاک سلطنتی در این دوره و مسائل همسو با آن‌ها پرداخته‌اند.

نکته مهم در خصوص بسیاری از آثار دوره مغول این است که وارد شدن در این عرصه با این پیش‌داوری است که مغولان قومی وحشی بودند و بخش عظیمی از جمعیت نقاط تصرف شده را از بین بردند. بنابراین بسیاری از تغییرات رخ داده در عهد مغول به این موضوع منسوب می‌شود. اکنون چند نمونه از این

آثار که به صورت مستقیم و غیر مستقیم، به این موضوع و مسائل مرتبط با آن پرداخته‌اند و از لابه لای آن‌ها اطلاعاتی درباره این نوع املاک ارائه داده‌اند، بررسی و تحلیل می‌شود.

مالک و زارع در ایران (لمتون، ۱۳۶۲): نویسنده در این اثر به بررسی وضعیت و روابط دو طبقه مالک و زارع، ساختار طبقاتی قشر روستایی، زمین استیجاری و کشاورزی و جنبه اقتصادی آن در ایران می‌پردازد؛ همچنین از تاریخچه زمین داری و اداره درآمدهای اراضی در ایران از صدر اسلام تا اعطای مشروطیت سخن به میان آورده است. در این پژوهش، از کتاب مالک و زارع در ایران مطالبی در راستای سوابق املاک سلطنتی در ایران اخذ گردید.

کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (پطروشفسکی، ۱۳۷۴): موضوع این اثر درباره کشاورزان و کشاورزی و زمین داری در ایران دوره مغول و ایلخانان در قرون هفتم و هشتم هجری است. در این پژوهش، از جلد اول این کتاب اطلاعاتی درباره اصلاحات غازان خان و از جلد دوم مطالب مفیدی درباره انواع اراضی اخذ شده است که اراضی سلطنتی را هم شامل می‌شود.

نظام اجتماعی مغول (فتودالیسم خانه بدوشی) (ولادیمیرتسف، ۱۳۴۵): به توصیف زندگی اجتماعی مغول در مغولستان اختصاص دارد. نویسنده در این کتاب به نظام اجتماعی قدیم، دوره میانه و جدید مغولان، اصل و مبدأ فتودالیسم، اقتصاد مغولان قدیم، جنگل، استپ و گسترش فتودالیسم و طبقات اجتماعی در جامعه مغولی پرداخته است. در این پژوهش، مطالبی راجع به املاک و زمین مغولان، قبل از ورود به ایران از این کتاب برداشت شده است.

امپراطوری صحرانوردان (گروسه، ۱۳۵۳): شامل یک دیباچه و سه فصل است. عنوان دیباچه مرغزاران و تاریخ است. از فصل دوم این اثر، مطالبی استخراج شده که راجع به نقش سلجوقیان در تاریخ ترک، قراختیایان، خوارزمشاهیان و مغولان چنگیزخانی و جانشینان چنگیز است.

تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان) (زرین کوب و دیگران، ۱۳۶۶): این اثر زیر نظر جی.آ.بویل گردآوری شده که شامل یک مقدمه و ده فصل است، از فصل نخست با عنوان «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران» که درباره ورود ترکان به ایران و استیلای آنان بر بقایای غزنویان و آل بویه و شکل‌گیری حکومت سلجوقیان است؛ فصل دوم با عنوان «ساختار درونی امپراتوری سلجوقی» درباره اوضاع دیوانی، اقتصادی و اجتماعی سلجوقیان و نحوه معیشت عشیره‌ای، شیوه زمین داری و فنون

جنگاوری آنان؛ فصل چهارم «تاریخ سلسله‌ای و سیاسی ایلخانان» دربارهٔ حملهٔ مغول تا فروپاشی دولت ایلخانی؛ و از فصل ششم با عنوان «اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در دورهٔ ایلخانان» که دربارهٔ پیامدهای حملهٔ مغول، اوضاع کشاورزی و موقعیت روستاییان در این دوره است مطالبی برداشت شد.

تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (اشپولر، ۱۳۷۷): نویسنده در جلد اول، نفوذ اسلام در ایران و اهمیت آن در تاریخ ایران را بررسی می‌کند که شامل: مطالبی در تاریخ امویان و عباسیان و حکومت‌های ایرانی و اوضاع دینی و مذهبی ایران است و در جلد دوم حیات معنوی و فرهنگی ایران، تشکیلات اداری، مناسبات حقوقی، اوضاع اقتصادی، قشریندی اجتماعی مردم، مناسبات مالکیت ارضی و زندگی روزمرهٔ مردم را بررسی می‌کند. از مطالب این کتاب در بخش «املاک سلطنتی در ایران تا دورهٔ مغول» استفاده شده است.

تاریخ مغول در ایران (اشپولر، ۱۳۸۶): در این کتاب منابع تاریخی دورهٔ مغول، تاریخ سیاسی مغولان و ایلخانان ایران، حکومت‌های محلی که تابع آنان بودند یا در کنار فرمانروایی مغولان حکمرانی می‌کردند و همچنین مسائل مذهبی و اقتصادی و اجتماعی ایران در دورهٔ ایلخانان بررسی می‌شود. از این کتاب مطالبی در خصوص املاک خصوصی و اقطاع مغولان و اصلاحات غازان اخذ گردید.

تاریخ مغول (از حملهٔ چنگیز تا تشکیل دولت تیموری) (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۷): در این کتاب نویسنده ممالک آسیا، تشکیل دولت مغول، سیاست چنگیز و حملات او، جانشینان چنگیز تا هلاکو، لشکرکشی هلاکو به ایران، سلاطین ایلخانی، فترت بین دورهٔ ایلخانی و تیموری و تمدن، معارف و صنایع در عصر استیلای مغول را تحلیل و بررسی می‌کند. در بخش محدوده و موقعیت جغرافیایی مغولان مطالبی از این کتاب برداشت شد.

یگانه پژوهشی که به صورت خاص به املاک سلطنتی (اینجو) در دورهٔ ایلخانی پرداخته است؛ مقاله‌ای از سید محمد حسین منظورالاجداد، با نام «املاک اینجو و وقف خاص در دورهٔ ایلخانان نمونهٔ فارس» است. وی در این مقاله به موضوع حقوقی اراضی اینجو در دورهٔ حکومت مغولان، تبدیل این اراضی به وقف خاص و نحوهٔ مالکیت ایلخانان بر این اراضی پرداخته است.

این تحقیقات عمدتاً با هدف نقل و شناساندن گوشه‌هایی از تاریخ مغولان و ایلخانان به اهل تاریخ و برای شناخت هر چه بیشتر منابع این دوره مفیدند. دربارهٔ زمین‌داری و اقسام آن اطلاعاتی در میان این کتب یافت می‌شود؛ اما املاک سلطنتی در این دوره و تحولات رخ داده بر آن در اثر مرور زمان و تأثیر

این تحولات در اوضاع اقتصادی و اجتماعی بررسی نشده است. از آنجا که تحول املاک سلطنتی تأثیر مستقیمی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی دارد و به دلیل خلأ پژوهشی در این حوزه، پژوهشگر در نظر دارد با بهره‌گیری از منابع موجود تحلیلی از تحول املاک سلطنتی در دوره ایلخانی و تأثیر آن در اوضاع اقتصادی و اجتماعی را ارائه دهد. این پژوهش در پنج فصل تدوین خواهد شد.

در فصل اول، به کلیات پژوهش که شامل طرح مسئله، سؤالات، فرضیات، قلمرو پژوهش، روش پژوهش، پیشینه پژوهش، مفاهیم، بررسی و نقد منابع است؛ پرداخته می‌شود.

در فصل دوم، پیشینه موضوع ارزیابی می‌شود و شامل سه بخش است: در بخش اول آن، به سوابق املاک سلطنتی و تحول آن در ایران تا دوره مغول و سیر تحول اقطاع و دیوان خالصه، در بخش دوم محدوده و موقعیت جغرافیایی سرزمین مغولستان و در بخش سوم به سوابق املاک خصوصی نزد مغولان پرداخته می‌شود.

فصل سوم پژوهش با عنوان بررسی املاک سلطنتی نزد ایلخانان مغول، از پنج بخش تشکیل می‌شود: معرفی ایلخانان، راه‌های افزایش املاک سلطنتی، عواید اراضی اینجو و کارکرد آن املاک، مباحث اقطاع و دیوان اینجو (که از وظایفش نظارت بر اراضی اینجو و به ثبت رساندن و در تملک درآوردن زمین‌های بایر بود)، ادغام دیوان اینجو و دالای.

فصل چهارم شامل سه بخش است: بخش اول آن به بحران رخ داده در املاک سلطنتی و اصلاحات غازان خان، بخش دوم به راه‌های استفاده یا به کارگیری املاک سلطنتی و بخش سوم به تأثیر بهره‌برداری از املاک سلطنتی در مسائل اجتماعی و اقتصادی و بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تحولات املاک سلطنتی اختصاص دارد.

فصل پنجم شامل دو بخش است: در بخش اول آن اتابکان فارس و یزد و کرمان بررسی می‌شود؛ در بخش دوم به حکومت‌های محلی (آل جلایر و آل مظفر و آل اینجو) بعد از ایلخانان پرداخته می‌شود. حاصل نتایج این پژوهش نیز در بخش نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

## ۱,۲. مفاهیم:

در این پژوهش از اصطلاحاتی استفاده شده که در فرهنگ‌های ایرانی، اسلامی، ترک و مغول و در تمامی ادوار به زمین‌های سلطنتی اطلاق می‌شده است؛ بنابراین این برای روشن شدن مفهوم این لغات و اصطلاحات در این قسمت به تعریف هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.



**خاص و خاصه:** املاک شخصی سلطان و خاص کردن به معنای مصادره کردن املاک و اموال و آن-

ها را در تملک پادشاه یا حاکم در آوردن است. (پطروشفسکی، ۱۳۴۷: ج ۲: ۴۵۹)

**خالصه:**<sup>۱</sup> املاک اعضای خاندان سلطان یا اموال شخصی به طور عموم. منشأ خالصه و این نوع زمین-

داری در ایران به دوره پیش از اسلام باز می گردد؛ به عبارت دیگر، خالصه زمین متعلق به دولت است. اصطلاح عربی- فارسی خالصه (جمع آن خالصات) همان زمین پاکیزه است؛ یعنی پاک از مالیات دولت.

(پطروشفسکی، ۱۳۴۷: ج ۲: ۴۵۹)

**صوافی**<sup>۲</sup> (جمع صافیه): آن قسمت از غنائمی بود که به امام یا خلیفه می رسید و از غنائم تقسیم شده

میان جنگجویان مجزا بود. با گذشت زمان، اغلب خلفا و امیران مقدار زیادی از زمین ها را به خود اختصاص دادند به این ترتیب معنای صافیه گسترش یافت، به طوری که تمامی زمین ها به خاصه تبدیل شدند. یکی از زمینه های شکل گیری زمین های خاصه این بود که گروهی از مردم در اثر جور و تعدی حاکمان محلی زمین های خود را در اختیار خلیفه یا یکی از بزرگان می گذاشتند و کم کم آن زمین ها به ملک خلافت یعنی خاصه تبدیل می شد، همین زمین ها بود که خلفا قطعه قطعه کرده و در حکم اقطاع به این و آن می دادند (بلاذری، ۱۳۴۶: ۴۰۱). هر چند که صوافی در زمان حضرت رسول (ص) هم بود؛ اما اساس عملی این کار را خلیفه عمر گذاشت. عمر پس از شکست امپراتوری ساسانی کلیه املاک شاه، خاندان، درباریان او و تمامی اقطاع آنان به اضافه املاکی را که مالکان آن در جنگ با مسلمانان کشته شده بودند را ضبط کرد. بلاذری زمین هایی را که عمر در سواد به صافیه تبدیل کرده بود، ذکر کرده است (همان: ۷۴-۷۶).

در مورد صوافی، دیدگاه ها و تعاریف متعددی بیان شده است. در فقه اسلامی صوافی به زمین هایی گفته می شود که امام با رضایت خاطر مسلمانان از اراضی مفتوح العنوه (املاک پادشاهان سرزمین های فتح شده) برای بیت المال انتخاب می کند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲۱). در زمان پیامبر (ص) علاوه بر خمس، بخشی از غنائم منقول و یا غیر منقول به منزله صافی در اختیار ایشان، در مقام رهبر مسلمانان قرار می گرفت؛ بنابراین ملک شخصی پیامبر (ص) محسوب می شد. این اموال، خاصه پیامبر نامیده شد، که این مسئله منشأ اصلی ایجاد صوافی و خالصه ها در دوره های بعد بود. زیرا چنین تصور می شد که خلیفه و

<sup>1</sup> Xales-e

<sup>2</sup> Savafi

حاکم می تواند اراضی وسیعی را در حکم خالصه و صوافی به خود اختصاص دهد (قربانی زرین، "خالصه"، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۴: ۷۳۰). برخی از فقه‌های سنی معتقد بودند اگر عین مال محفوظ مانده باشد، پس از درگذشت امام باید به بیت المال بازگردانده شود و متعلق به جامعه اسلامی خواهد بود. ولی فق‌های شیعه، صفی را جزء انفال و متعلق به مقام امامت می دانستند که این حق به امام و جانشین وی منتقل خواهد شد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲۲).

**اقطاع:** در نخستین سده‌های دوران اسلامی به جای این واژه، قطیعه به معنای زمین بریده شده از خراج کاربرد داشته است. اصطلاح اقطاع به معنای، بخشیدن پاره‌ای از زمین خراج به کسی و زمین را به تیول دادن آمده است. اقطاع هم به معنی واگذار کردن زمین و هم به معنی بخشیدن حاصل و عواید آن است. از این رو آن را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: ۱. اقطاع التملیک (واگذار کردن زمین‌های موات، آباد و معادن)، ۲. اقطاع الاستغلال (واگذار کردن درآمد آن). برخی نیز اقطاع الإرفاق را به آن افزوده‌اند. در ابتدا زمین‌های خالصه، زمین‌های بایر، موات و باتلاقی به صورت اقطاع واگذار می‌شد. همین اصطلاح اقطاع به تدریج از زمان ایلخانان به تیول تبدیل شد (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۸۹-۳۹۰).

**التجاء:** التجاء اصطلاحاً به معنی زمین خود را به خلیفه یا بزرگی سپردن است. هدف از این کار در امان ماندن از ستم حاکمان محلی و محصلان مالیات بود. همچنین چون مالکان سهم محصول را مستقیماً به خلیفه می‌پرداختند، مشمول مالیات‌های اضافی نمی‌شدند. به عبارتی دیگر، مالکان اصلی برای فرار از تعدی باج‌گیران، املاک، مزارع و باغ‌های خود را به امیر یا فرد نیرومندی واگذار می‌کردند. مالکان املاک خود را در دفاتر دولتی به نام فرد متنفذ ثبت می‌کردند که به مرور زمان به تملک او در می‌آمد (همان: ۳۹۰).

**یورت:** زمینی بود که طوایف صحرائشین مغول و ترک و ایرانی، برای چراگاه دام‌ها و به منظور بیلاق و قشلاق خود در تابستان و زمستان در اختیار داشتند و از آن استفاده می‌کردند. این اراضی عملاً تحت حاکمیت رئیس قبیله بود و از لحاظ حقوقی ملک مشترک قبیله بوده و استفاده از مراتع آن جنبه عمومی داشته است (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۷: ج ۱: ۱۱۰؛ ستوده، ۱۳۴۶: ۱۸۹).

هنگامی که ارباب مالک افراد می‌شد، خواه به صورت موروثی و خواه به علت فرماندهی، طبیعتاً مالک زمینی می‌شد که افراد در آن زندگی و کوچ می‌کردند. سپس ارباب وظیفه خود می‌دانست زمینی تشکیل دهد که کفایت برآوردن حوایج صحراگردانی را داشته باشد که به وی تعلق گرفته بودند و به آن

زمین یورت می گفتند. علاوه بر این، مغولان که کوچ‌نشینان و صحرائنشینان شکارچی بودند، در ازابه‌های نمدی ساکن بودند که به آن یورت می گفتند که به راحتی برچیده می شد. یورت صحرائنشینان که معرف سکونت بدوی است، در تحول خود مراحل زیر را پیموده است: ۱. کلبه‌های شکارچیان بیشه نشین؛ ۲. یورت پوشیده از پوست حیوانات؛ ۳. یورت نمدی با مخرج و دهانه؛ ۴. سرانجام یورت بدون دهانه (ولادیمیرتسف، ۱۳۴۵: ۷۰-۱۸۳). افرادی که در الغ یورت چنگیز خان (قلماق، کلوران، قراقرم)، به خانی نشستند و به اردوبالغ مشهور بودند، این افراد به روایت اشرف‌الدین علی یزدی در مقدمه *ظفرنامه*، پانزده نفر و به قول میرزا الغ بیگ گورکان در *الوس اربعه*، نوزده نفر بودند. نفر اول آنان به اتفاق نقل قول مورخان، اوکتای قآن و نفر آخر آنان به روایت اشرف‌الدین یزدی، تازی اوغلان و به نقل از الغ بیگ، اوای بن اوکتامور بود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۳: ۴۷-۷۴).

**الوس:** اولوس واژه‌ای در زبان‌های ترکی و مغولی، با معانی تقریباً یکسان است. پس از ورود این واژه به زبان مغولی، صورت نوشتاری آن از اولوش ترکی به اولوس مغولی تغییر یافت، از آن پس به مفهوم مردم و کشور به کار رفت و به مردم مغول و همسایگان‌شان اشاره دارد که با مغولان آمیختگی پیدا کردند. ترجمه دقیق‌تر این کلمه به معنای مردمی که تابع و مطیع حاکمی معین‌اند؛ و همچنین به معنای ایل و ملتی کوچک است. الوس مجموع تابعان یک فرمانروا، ائتلافی از چند قبیله گوناگون، ملت، خلق و سرزمین است. در وجه دیگر اولوس مغول به معنای ملت بزرگ مغول است که اول بار در *مُهر گیوک* یافت شد. در این مهر واژه اولوس به مفهوم امپراتوری و شاهنشاهی ترجمه شده است. اولوس در ابتدا به دولت بزرگ چنگیزخان و سپس به مردم و سرزمین‌هایی اطلاق شد که به چهار پسر او داده شد (Amitai, 2000:814).

**اینجو:** از اینجو در منابع گوناگون تعاریف متعددی شده است. املاک شخصی ایلخانان یا دیگر اعضای خانواده خان و همچنین خان‌های تابع و خدمتگزاران ایشان که در اراضی آنان زندگی می کردند، اینجو محسوب می شد. بنابراین اینجو مترادف با اراضی خصوصی ایلخان و اعضای خانواده اوست و این واژه، خاص دوره ایلخانی است (پطروشفسکی، ایلیاباولویچ، ۱۳۶۶: ج ۵: ۴۸۸). گفتنی است که اراضی خصوصی یا املاک سلطنتی از راه‌هایی چون زمین‌های ضبط شده، زمین‌هایی که مالکان آن گریخته یا کشته شده بودند، املاک متعلق به شاهانی که مغولان بر آنان غلبه یافته و نیز املاک وقفی که ایلخانان آن را ضبط کرده بودند، به دست آمده بود و برای اداره این املاک کارگزارانی گماشته شده بود (اشپولر،

۱۳۸۶: ۳۲۵-۳۲۸). مثلاً در *تحریر تاریخ و صاف* آمده است که سلطان محمدخدا بنده به هر یک از امیران منصبی داد، از جمله اینکه حفظ و نگهداری املاک اینجو را بر عهده حسین بیک گذاشت. و صاف در قصیده‌ای که هنگام عرضه کتاب خود در ۷۱۲ ق. در محضر اولجایتو خوانده، از حسین بیک چنین یاد کرده است:

میر اینجوی حسین است که از رایض حکم ابلق توسن افلاک کشد اندر زین

(وصاف الحضرة، ۱۳۳۸: ج ۴: ۴۷۸، ۴۷۱)

اصطلاح اینجو بعدها به معنی صاحب دیوان املاک پادشاه به کار رفت و به هر فردی که خاص پادشاه و از متعلقان او بود اطلاق می‌شد. اینجو املاک و دارایی پادشاه، باغ، کشتزار، سپاه، کنیز، ستور، دام و هر شیء تملک‌پذیر را شامل می‌شد. بنابراین اراضی اینجو به دو دسته تقسیم می‌شد: ۱. اراضی ملکی اعضای خاندان سلطنتی یا همان اینجو؛ ۲. اراضی متعلق به شخص سلطان و خان که اینجوی خاص یا خالصه، به معنی خالص و پاک شده از مالیات دیوان، نامیده می‌شد (پطروشفسکی، ۱۳۴۷: ج ۲: ۴۵۵).

علاوه بر املاک خاصه و سلطنتی، افراد و اشخاص التجاء جسته که حمایت ایلخانان را به دست آورده بودند، جزو اینجو محسوب می‌شدند. اراضی اینجو و عواید آن، به شکل موروثی به افراد خانواده و دیگران بخشیده می‌شد، چنان‌که غازان خان دستور داده بود که بعد از مرگش املاک اینجوی وی، اینجو و ملک فرزندان خاتون سوگلی‌اش شوند (همدانی، ۱۳۵۸/۱۹۴۰: ۳۳۱). پطروشفسکی معتقد است در آن زمان امکان خرید و فروش این اراضی نیز رایج بوده است (پطروشفسکی، همان: ۴۵۷). منطقه فارس از سرزمین‌هایی بود که به اینجو تبدیل شد و اینجوهای بسیاری در آن قرار داشت (Lambton, 1978: 975).

**دلای:** دلای زمین‌هایی بود که به حاکمان و منسوبان مطیع و تحت سلطه خان بزرگ تعلق می‌گرفت و به افرادی واگذار می‌شد که از نظر نسبی با حاکمان اولویت داشتند. واژه دلای در مدتی کوتاه منسوخ شد (همان‌جا).

#### ۸.۱. بررسی و نقد منابع:

پیش از معرفی و بررسی منابع این پژوهش، برای آشنایی بیشتر با منابع تاریخی ایران به ویژه در دوره مغولان و ایلخانان مطالبی بیان می‌شود. ۱. بیشتر آثار تاریخ‌نگاران ایرانی و اسلامی، سلطان محور و قدرت

محور است؛ بدین معنی که غالب این کتاب‌ها دربردارنده شرح احوال صاحبان قدرت است و اصولاً از نگاه مورخان، توده مردم عادی بی‌اهمیت‌اند؛ اگر هم در جایی سخنی از مردم به میان آمده است، طرف سخن، صاحب منصب یا ارباب قدرتی است که به واسطه شرحی از احوال او به مردم اشاره شده است. ۲. بسیاری از آثار تاریخی به دست ادیبان نوشته شده است؛ بنابراین در نگارش تاریخ به واقعیت‌ها توجه نشده، بلکه بیشتر توجه در فن نویسندگی است. از بزرگ‌ترین نقاط ضعف منابع این دوره، پیچیده بودن زبان اکثر آنهاست که استخراج تاریخ از درون آنها و فهم متون را دشوار کرده است؛ همچنین رونویسی منابع پسین از منابع پیشین بدون کمترین تغییری است، که البته به منابع این دوره مختص نمی‌شود. ۳. ویژگی مهم تاریخ‌نگاری این دوره حضور مورخان در مصدر قدرت است؛ زیرا آنها در خدمت حکام و از طبقه دیوانسالاران بودند. تعدادی از آنان در مناصب حکومتی به کارهای مهم مشغول بودند که این مسئله، محاسن و معایبی داشت. اگرچه آنها به اسناد سری دسترسی داشتند، نمی‌توانستند واقعیت را نقل کنند و این امر سبب می‌شد برای حفظ مقام و جایگاهشان، از آوردن مطالبی که خلاف خواست حاکمان است خودداری کنند. حتی مورخانی که در ساختار قدرت از موقعیتی برخوردار نبودند، به دلیل ترس یا جیره‌خواری، کاستی‌ها و ضعف‌های حکام را کمتر نقد می‌کردند. درخصوص دوره مغول و ایلخانی و مقارن قرون ششم و هفتم هجری، آثار معدودی تألیف شده است. در کتب نزدیک به دوره مغول و ایلخانی نیز نوعی تکرار مطالب دیده می‌شود. درباره املاک دوره ایلخانان، به ویژه املاک سلطنتی آنان، اطلاعات زیادی در دسترس نیست و منابع به ندرت از این نوع املاک سخن گفته‌اند. از اینرو به رغم کم و کاستی‌های منابع، پژوهشگر باید با بررسی دقیق آنها به وضعیت املاک سلطنتی در این دوره پی ببرد. در این پژوهش، محقق در حد توان خویش از آثار مربوط به دوره ایلخانی استفاده کرده است. برای گردآوری مطالب این پژوهش، از منابع و ثبت تاریخی (عمومی و محلی و ادواری)، شرح حال، فقه سیاسی، جغرافیایی و تحقیقات و مطالعات جدید چه مختص به دوره ایلخانی و چه دوره‌های قبل از مغول و ایلخانی به منزله پیشینه موضوع استفاده شد.

#### تواریخ عمومی:

- جامع‌التواریخ (همدانی، ۱۳۸۹): رشیدالدین در سال ۷۰۲ ق. به دستور غازان خان تألیف جامع‌التواریخ را آغاز کرد و در زمان اولجایتو، جانشین غازان، به پایان رساند. این کتاب در اصل شامل دو بخش بود؛ ولی

بخش دوم که تاریخ اولجایتو، تاریخ عمومی و مسالک و ممالک بوده، به جای نمانده است. جلد اول این کتاب شامل تاریخ قبایل ترک و مغول و انساب چنگیزخان، تاریخ چنگیزخان و فرزندان او، اوگتای قاآن، جوجی خان و جغتای خان و اولوس آنها و مختصری در احوال خانان، ملوک و اتابکان ایران، مصر، شام، روم و خلفای عباسی هم‌زمان آنان و وقایع تولوی خان، گیوک خان، منگوقاآن و فرستادن هلاکو به جانب غرب و قویلای به جانب شرق بوده است؛ جلد دوم از آغاز سلطنت هلاکو خان تا پایان دوره غازان خان را دربردارد. از این اثر مطالبی درباره پیشینه موضوع بخش مربوط به املاک خصوصی مغولان و فصل سوم موضوع دیوان خالصه و فصل چهارم، علل و نتایج اصلاحات غازان استفاده گردید.

- مجمع‌الأنساب (شبانکاره، ۱۳۶۳): شبانکاره تألیف این کتاب را از سال ۷۳۳ ق. آغاز کرد و در سال ۷۳۶ ق. به پایان رساند. موضوع این کتاب از زمان حضرت آدم تا دوره ایلخانان را همراه با مطالب سودمندی درباره ایلخانان به ویژه دوره اولجایتو، ابوسعید، ملوک شبانکاره، فارس و هرمز در بردارد. مجمع‌الأنساب دارای دو مقدمه است. در مقدمه اول مدح سلطان ابوسعید و غیاث‌الدین محمد رشیدی آمده است؛ در مقدمه دوم عنوان خطبه کتاب، و ستایش سلطان و وزیر او بدون ذکر نام آنها ثبت شده است. از این کتاب اطلاعاتی درباره املاک سلطنتی و سیر تحول اقطاع در ایران تا دوره مغول، برداشت شد.

- منتخب‌التواریخ معینی (نطنزی، ۱۳۳۶): در سال‌های ۸۱۶ و ۸۱۷ ق. تألیف شده است. این کتاب تاریخ عمومی مختصری از عهد آدم تا وفات تیمور است و وقایع نزدیک به زمان مؤلف اهمیت بسیاری دارد. عناوین فصل‌های اصلی کتاب عبارتند از: طبقه ملوک شبانکاره؛ ملوک هرمز؛ ملوک کرمان که به قراختایان مشهورند؛ ملوک یزد که معاصر دولت مغول بودند و مبدأ نسبت ایشان؛ طبقات ملوک لرستان؛ اتابکان بزرگ؛ طبقه هولاکو خان و احوال، اوضاع و اخبار ایشان؛ طغایموریان؛ طبقه اولاد چوپان که در آذربایجان، عراق و فارس بودند؛ اولاد امیر شیخ حسن بزرگ، اولاد محمود شاه اینجو و اولاد محمد مظفر؛ امرایی که در ماوراءالنهر خروج کردند؛ طبقه تیمور و اخبار، اوضاع، احوال و کیفیت او. در بخش مربوط به اتابکان و حکومت‌های محلی مطالب مفیدی از این کتاب اخذ شد.

**تواریخ ادواری:**